

بنگاه سخنرانی وکلای دادگستری

نسبت باعتبار گواهی

دادخواهی محمد جهانشاهی

(آیا خوبست شهادت از ادله مثبتة محسوب شود
یا نه ؟)

چون در اطراف جهت منفی این موضوع بحث میشود
ذکر سه مقدمه را لازم میدانم تا نتیجه منظور خود بخود
روشن شود .

مقدمه ۱ - تأمین قضائی و لزوم و اهمیت آن در جامعه
بطور خلاصه و اینکه تأمین قضائی را باید مانند ماده المواد
نظم عمومی ملحوظ داشت .

مقدمه ۲ - ذکر ادله مثبتة و تعریف شهادت و مقصود
از شهادت در این بحث .

مقدمه ۳ - چه عواملی علت شهادت غلط میشود...؟

مقدمه ۱

تأمین قضائی و لزوم و اهمیت آن در جامعه و اینکه
تأمین قضائی را باید مانند نظم عمومی ملحوظ داشت .

برای اینکه در جامعه ای بتوان زندگی کرد و بنا بر افراد
آن روابط اجتماعی داشت باید در آن جامعه تأمین قضائی
وجود داشته باشد .

مقصود از تأمین قضائی آنست که حتی الامکان حقایق
کشف شود و صاحبان حقوق مطمئن باشند که حق آنها در
آن جامعه بموجب قانون متین ثابت است و با اغراض اشخاص
متزلزل نمیشود و هر کس بداند که نمیتواند نسبت بحقوق مالی
و نوامیس دیگران تجاوز کند و یقین داشته باشد که در آن
جامعه حقایق کشف میشود و صاحبان حقوق بحق خود خواهند
رسید و قانون بطور عادلانه دست متعددی را قطع میکند و
گناهکار را بکیفر عاقلش میرساند .

مثلاً - وقتی بکنفر تاجر حاضر است سرمایه خود را
در جامعه امری بازر نمیندازد که قبلاً بداند قوانین آن جامعه

سرمایه او را حفظ میکنند و همینطور وقتی در یک جامعه
میشود زندگی کرد که قبلاً مطمئن بود اولاً اغراض اشخاص
نمیتواند دامن کسیرا آلوده کند و ثانیاً مجرمین حقیقی در
آن جامعه تشخیص و بمجازات میرسند با این ترتیب بدیهی است
اگر در جامعه ای ممکن باشد مثلاً جرم اتفاق افتاده را بغیر
مجرم حقیقی نسبت دهند و متهم بیگناه را مجازات کنند
هیچکس اطمینان بزندگانی در آن جامعه ندارد و قهراً از آن
جامعه روگردان خواهد بود از این مطلب نتیجه گرفته
میشود که اگر در کشوری تأمین قضائی وجود نداشته باشد
اولاً غالب افراد در مقام تجاوز بحقوق دیگران بر میآیند و
ثانیاً مجرمین و تبهکاران ازار تکاب جرم باکی نخواهند داشت
و البته اگر اشخاص اخلاقی و با وجدان هم در آن جامعه
باشند چون این قبیل اشخاص همیشه در اقلیت هستند وجود
آنها تأثیری در برقراری تأمین قضائی نداشته و خود آنها
نیز مورد تعدی و تجاوز دیگران واقع خواهند شد .

و اما آنچه که در یک کشور تأمین قضائی را برقرار میکند
عبارتست از : اولاً - وجود قضاات یا کدامن و ثانیاً - اجراء
قانون متین بطوریکه شخص مطمئن باشد قانون در آن کشور
فقط رای حفظ حقوق افراد و کشف حقایق امور است و
کسی نمیتواند بانردستی و مغالطه بحقوق دیگری تجاوز کند
و یا در امور اجتماعی یا از حدود خود خارج نماید .

بنابراین باید اصل تأمین قضائی را مبنای نظم عمومی
(Ordre public) در کشور دانست و همانطور که اگر در یک
مورد مقنن حق کسیرا فدای نظم عمومی میکند و هر جا که
حقوق افراد بانظم عمومی اصطکاک پیدا کرد نظم عمومی را
ملحوظ میدارد تأمین قضائی هم که ماده المواد نظم عمومی
است باید ارجح حقوق افراد در نظر گرفته شود .

پس از ذکر این مقدمه فوراً طرق اثبات دعوی توجه ما را جلب میکند .

مقدمه ۲

طرق اثبات دعوی بطور کلی عبارتست از ابزار از دلیل و ادله مثبته نوعاً تقسیم میشود به :

۱ - اقرار .

۲ - اسناد کتبی .

۳ - شهادت شهود .

۴ - قسم .

۵ - قرائن و امارات .

در اینجا باید متذکر بود که از نظر تأمین قضائی بهترین دلیل آنستکه ما را بحقیقت برساند و چون فعلاً مورد بحث فقط شهادت شهود است این موضوع را در شهادت مطالعه میکنیم . یعنی میخواهیم به بینیم آیا خوب است شهادت شهود جزو ادله مثبته باشد یا نه ؟ و بعبارة آخری آیا شهادت میتواند حقیقت و نفس الامر را نشان بدهد بدون اینکه بتواند امر غیر حقیقی را هم بطور حقیقت جلوه دهد یا نه ؟

برای این مقصود اول باید ببینیم شهادت و مقصود از آن در این بحث چیست ؟

« شهادت یعنی خیار از امری که شاهد راجع بان شخصاً اطلاع دارد اعم از اینکه موضوع شهادت را دیده یا شنیده باشد و البته مقصود از شهادت در این بحث شهادت بمعنای اخص است بدون آنکه برای آن يك معنای وسیعی قائل شویم یعنی بهمین ترتیب که هر روز ضمن محاکمات عملاً مشاهده میکنیم نه اینکه متلادرمورد جرم مشهود گزارش مأمور صلاحیت دار را هم شهادت تلقی کنیم یا تصدیق قاضی را در صورت مجلس که حاکی از اقرار اصحاب دعوی است شهادت بدانیم .

شهادت پس از اقرار قدیمترین و طبیعتیترین طرق اثبات دعوی بشظر میرسد چه بدیهی است که اگر در موضوع اختلافی داد خواننده مراتب ادعائی دادخواه را تصدیق نمیکرده دادخواه ناگزیر برای اثبات مدعای باظهارات اشخاصیکه از موضوع دعوی اطلاع داشته اند توسل میکرده و از اینها شهادت ناشی شده است .

در ابتدا شهادت بطور شفاهی معمول بوده و طرفین قرارداد برای اینکه موقع لزوم بتوانند مقصود خود را ثابت کنند اشخاص را برای حضور و نظارت دعوت میکردند و هم چنین در واقعات پیش بینی نشده باشخصی که حاضر بوده اند توسل میجستند ولی بعدها از نظر اینکه ممکن بوده در موقع لزوم دسترسی بشاهد نباشد مثل اینکه شاهد فوت شده باشد طرفین قرارداد خود را روی کاغذ آورده و شهود در ذیل و حاشیه آن حضور و شهادت خود را بمراتب مرقوم در متن مینوشتند که این رويه تنظیم اسناد را بوجود آورد و چون موضوع شهادت خیلی مهم و یقرباً در عمل تنها راه اثبات دعوی بود تمام شرایط و ادیان با وضع مقررات سخت راجع بشهادت کذب اعتبار آنرا تنفیذ نمودند .

وضع مقررات سخت از طرف شارعین برای این بود که میدانستند ممکن است بشهادت دروغ امور غیر واقعی بطور مسلم جلوه داده شود و از این راه خطری متوجه تأمین قضائی و نظم عمومی گردد که این خطر هنوز هم در شهادت موجود است .

قوانین مجازاتی که بهترین معرف درجه تمدن و اخلاق و وجدان يك جامعه است عموماً برای شهادت کذب مجازات معین نموده و از اینجا معلوم میشود که مقننین میدانند افراد جامعه آنها ممکن است بآداء شهادت کذبی مبادرت کنند و میگویند همانطوریکه شهادت میتواند در پاره ای موارد حقیقت را مکشوف سازد بخوبی از عهده جلوه دادن امور غیر واقع بصورت حقیقت بر میآید ؛ اینحال که امکان اثبات امور غیر واقع بوسیله شهادت ثابت شد بحث در مقدمه سوم پیش می آید .

مقدمه سوم

چه عواملی علت شهادت غلط میشود ؟

شهادت غلط از دو منشاء ناشی میشود یکی اینکه شهادی محسوسات خود را در کمال صداقت و بدون قصد اخفا چیزی بیان کند و حال اینکه مشهودات او صحیح نباشد و دیگر اینکه اشخاصی بعنوان شاهد برخلاف حقیقت شهادت بدهند اعم از اینکه از حقیقت و نفس الامر مطلع باشند یا نه که هر يك از این دو مورد را بطور خلاصه مطالعه میکنیم .